

آسیب‌شناسی و توصیف رهیافت‌های نقدی در تذکره تحفه سامی

صادق جغتایی*

چکیده

نقد ادبی در فرهنگ ایران تاریخی کهن دارد و با دقت در آثار کلاسیک از جمله تذکره‌ها، رد پای بسیاری از نظریه‌های نقدی نوین را می‌توان دید. تذکره‌ها سوای گزارش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و... سرشار از اشارات نقدی‌اند. نگارنده می‌کوشد به منظور نمایش سلیقه نقادی و ادبی سام میرزا در تذکره تحفه سامی و تبیین گرایش‌های ادبی شاعران عصر صفوی، با روش مطالعات کتابخانه‌ای به دسته‌بندی انواع رهیافت‌های نقدی مؤلف پردازد و گستره و سبک نگره‌های نقدی او را به نمایش بگذارد و آسیب‌شناسی کند. نتایج نشان می‌دهد که به سبب به کارگیری زبان ادب به جای زبان خبر، کلی‌گویی و ابهام‌پراکنی از ویژگی اصلی داورهای سام میرزا است و نقد صفات شعر، نقد شاعران و اخلاق آن‌ها از پربسامدترین رویکردهای نقدی او می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تذکره تحفه سامی، سام میرزا، نقادایی، معیارهای نقد، انواع نقد.

۱. مقدمه

در میراث فرهنگی گذشته، در لابه‌لای اشعار شاعران، در تذکره‌ها، سفینه‌ها، کتب بلاغی، عروضی، تاریخ ادبیات‌ها، در آثار مترسّلان، منشیان و... با داوریهایی ساده، احساسی و ذوقی، یا نقدهای پیچیده فنی روبه‌رو هستیم. اگر چه ایجاد پیوند بین نقد و نظریه‌های ادبی جدید و شکل سنتی آن در میراث ادبی گذشته که رویکردی به گرایش‌های فرامتنی دارد تا به «خود متن» و اجزا و عناصر درونی آن (← علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۷)، بظاهر کمی دشوار یا

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولایت joghatay.4551@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۴/۱۵

بعید می‌نماید، اما از این حقیقت نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که «سنت ادبی ما نه تنها از روش‌ها و نظریه‌ها و موازین نقد و نظریه ادبی بی‌بهره نبوده است که برعکس، هرکدام از بزرگان ادب فارسی در دستگاه اندیشگی خود از نظریه، فرم و روشی بسیار استوار و مستحکم بهره می‌برده‌اند و در نقد آثار دیگران، قواعد بسیار متقن را به کار می‌گرفته‌اند» (محبّتی، ۱۳۸۸: ۵۹). رشد و شکوفایی ادبیات در دوره‌های مختلف و آفرینش انبوهی از آثار منظوم و منثور که پاره‌ای از آن‌ها در زمره شاهکارهای ادبی به شمار می‌آیند، گواهی است بر این مدعا. در این میان، تذکره‌ها به رغم بدبینی برخی محققان (← نعمانی، ۱۳۷۷: ۱۶) و با همه کاستی‌ها و ناراستی‌ها، حجم انبوهی از نظریه‌پردازی‌های ناروش‌مند، نکته‌سنجی‌ها و خرده‌بینی‌های پراکنده در باب شعر و شاعری را در خود ثبت و ضبط نموده‌اند. **تذکره تحفه سامی** از آن سام میرزا (۹۲۱-۹۷۵ ه.ق)، فرزند دوم شاه اسماعیل صفوی، از جمله تذکره‌های با ارزش فارسی است. در این اثر سوای رویکردهای مختلف نقد ادبی در بررسی غث و سمین آثار، اخبار و اطلاعات بسیار ارزنده‌ای درباره ارزش‌های حاکم بر جامعه و سلیقه‌های مختلف فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، هنری و ... گرد آمده که از خلال آن‌ها تا حدودی می‌توان اوضاع و احوال قرن دهم هجری را رصد کرد، اما نه آن‌چنانکه بعضی این اثر را آیین تمام‌نمای اوضاع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی نیمه اول قرن دهم، خوانده‌اند (← فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۱۲).

سام میرزا، برادر کهنتر شاه طهماسب، شعرشناس و سخن‌سنجی ماهر بوده، در سرودن شعر نیز طبعی داشته است؛ و چنان که گفته‌اند «دیوانی هم قریب به شش هزار بیت از او دیده شده است» (تریبت، ۱۳۶۷: ۱۷۷). از او ان کودکی با مهمات دیوانی آشنا شده، به امر پدر، در خدمت تنی چند از مشاهیر خطاطان، نویسندگان، شعرا و نقاشان هنرمند تربیت و پرورش یافته است (← سام میرزا، ۱۳۸۴: نه) و با شاعران و سخنوران هم‌نشینی و معاشرت داشته است.

تذکره تحفه سامی مشتمل بر شرح حال و نمونه اشعار هفتصد و دوازده تن از شاعران نیمه اول قرن ده هجری است. همت پرشور سام میرزا در ثبت و ضبط احوال و نمونه اشعار همه شاعران و سخنوران عصر خویش، نامی و گمنام، از هر صنف و طبقه‌ای، بدون توجه به کمیت و کیفیت آثار، سبب گردیده است تا این اثر، مأخذ عمده تذکره‌نویسان بعد از او باشد (← فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۱۰).

نثر این اثر در دیباچه متکلفانه، اما در متن بینابین است. در نقل لطیفه‌پردازی‌ها و مطایبات و ظرافت‌گویی‌ها، نویسنده به نقد و انتقاد نهفته در آن‌ها توجه دارد و جانب ادب را فرو نمی‌گذارد (برای نمونه، ← سام میرزا، ۱۳۸۴: ۵۶، ۶۵، ۱۴۰، و ...). استفاده از آیات و احادیث و نیز جملات حکیمانه برای آراستن نثر و البته غنا بخشیدن به معنا، در اثر او زیاد دیده می‌شود و گویای اندیشه‌ والا و گرایش‌ات مذهبی اوست؛ اگر چه گاه در تطبیق آیه یا حدیث با موضوع مورد نظر، به اشتباه رفته است (← همان: ۱۷، ۱۸، ۲۴، و ...). استفاده از چاشنی شعر به قصد آرایش و تأکید بر کلام، دیگر شیوه بیانی مؤلف است که گاهی از سراینده آن‌ها از جمله خود، یاد می‌کند (← همان: ۲۲، ۱۰۷، و ...).

۲. مسأله تحقیق و ضرورت انجام آن

به نظر می‌رسد برای حرکت به سوی نظریه پردازی‌های جدید و پرهیز از مصرف‌گرایی صرف در مواجهه با انبوه دیدگاه‌های نوین نقدی که بعضاً مغتنم و در خور توجه نیز می‌باشند، اساس کار را می‌توان بر سنت‌ها و داشته‌های گذشته نهاد و با اتکا به آن‌ها و ایجاد پیوندی عالمانه بین گذشته و حال، سرنوشت آینده ادبیات و دانش نقد ادبی را تعیین و تضمین کرد. به منظور تحقق این مهم و درافکندن طرحی نو، شناخت دقیق و عالمانه نقاط قوت و ضعف نقدهای بومی و سنتی، بسیار کارساز و مشکل‌گشا خواهد بود. از این رو با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، بر آنیم تا با مطالعه همه سویه تذکره تحفه سامی، در این جستار به دسته‌بندی دقیق دیدگاه‌های نقدی سام میرزا پرداخته، با رویکردی توصیفی، به اهداف زیر نایل آییم:

الف: نمایش گستره دیدگاه‌های نقدی سام میرزا در تذکره تحفه سامی.

ب: تعیین سبک و سیاق نقدی سام میرزا در برخورد با آثار ادبی عصر خود.

ج: آسیب‌شناسی نقدهای سام میرزا که گاهی در دیگر تذکره‌ها نیز یافت می‌شود.

لازم به ذکر است که درنقل نمونه‌ها از تذکره مذکور، تنها به آوردن شماره صفحه در داخل پرانتز، بسنده شده است.

۳. پیشینه تحقیق

تاکنون دو کتاب مستقل با موضوع تذکره‌نویسی انتشار یافته است: کتاب **تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۳۶۳)**، از احمد گلچین معانی، و کتاب **تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان**، از علیرضا نقوی، که به دلیل تفاوت موضوع، در این جستار از این دو اثر چندان بهره‌ای گرفته نشده است. اما از دو کتاب زیر که بخش‌هایی از آن‌ها به نقد و بررسی عیوب و محاسن **تذکره تحفه سامی** و نیز تحلیل شیوه نقادی مؤلف آن، اختصاص یافته، تا حدودی بهره جسته‌ایم: کتاب **نقد ادبی در سبک هندی (۱۳۸۵)** از محمود فتوحی، و کتاب **دو جلدی از معنا تا صورت (۱۳۸۸)** از مهدی محبتی. مقاله‌های موجود مرتبط با موضوع این پژوهش نیز به ترتیب تاریخی عبارتند از: الف: «مروری بر تذکره نویسی فارسی» (۱۳۷۷) از رئیس احمد نعمانی، ب: «بررسی سیر تذکره‌ها و تاریخ ادبیات‌های فارسی در ایران» (۱۳۸۰) از منظر سلطانی، ج: «اشارات نقدی در تذکره مقالات الشعرا» (۱۳۸۲) از نجم الرشید، که در این مقاله نویسنده به صورتی گذرا و بدون هرگونه تحلیل و بررسی، تنها به ذکر اصطلاحات نقدی موجود در تذکره **هندی مقالات الشعرا**، اثر شیخ قیام الدین حیرت اکبرآبادی، پرداخته و به ارائه شواهد بسنده کرده است. از این سه مقاله، به سبب تفاوت موضوع کمتر استفاده شده است، د: «معرفی، بررسی و تحلیل تذکره تحفه سامی» از فاطمه توکلی فرد (۱۳۹۱). این مقاله، چنان‌که از عنوان آن پیداست، مرتبط با موضوع این جستار است، اما با ساختاری کاملاً متفاوت و درونمایه‌ای صرفاً توصیفی از شخصیت سام میرزا و تذکره او، بدون هیچ اشاره‌ای به رویکردهای نقدی اثر.

۴. بحث و بررسی

در نگاه کلی به غالب تذکره‌های فارسی، این آثار در ویژگی‌هایی چون تنظیم بخش‌های چندگانه تذکره با نگاهی اجتماعی و سیاسی، دوگانگی نثر در دیباچه اثر و متن اصلی، سبک و سیاق گزارش احوالات شاعران، بی‌ضابطه‌گی نقدها، ساختار دایره‌المعارفی و ده‌ها مسأله دیگر، بسیار شبیه به یکدیگرند. در تذکره‌های دوره صفوی به نظر می‌رسد که نقد و بررسی آثار منظوم، با همه گستردگی، بر اساس سنت نیکو و رایج در مجامع ادبی و قهوه‌خانه‌ها، که بسیار کارساز و سبب پرورش ذوق و هدایت سلیقه ادبی روزگار بوده است، از اهداف ثانوی و عملی بعضاً تفننی، اما بسیار اثرگذار به حساب می‌آمده است؛ چنان‌که سام میرزا در دیباچه تذکره، در پاسخ به ایراد احتمالی خوانندگان نسبت به ذکر احوالات شاعران بی‌دین یا مخالف با دودمان خود در تذکره، هدف از تألیف کتاب را ثبت تاریخ می‌داند نه عطوفت

و عنایت (← سام میرزا، ۱۳۸۴: ۴-۵). البته دربارهٔ سام میرزا شاید بتوان با احتیاط بیشتری سخن گفت؛ زیرا چنان‌که از سروده‌ها و دانش‌های شعری او برمی‌آید، در سخن‌شناسی زیرک است و ماهر، اما در نقد و بررسی آثار ادبی، گرفتار آسیب‌های معتاد زمانه شده است؛ ویژگی خاصی که امروزه در قیاس با نظریه‌های جدید ادبی و پیدایش مکتب‌های نوین نقدی، از جمله‌ی عیوب محسوب می‌شود. بر این اساس هدف از ارزیابی آثار نقدی‌ای چون تذکره‌ها، خرده‌گیری نیست بلکه پرهیز دادن منتقدان امروزی از برخورد با آثار ادبی با همان ابزار و سبک و سیاق قدمایی و سنتی است که پاسخ‌گوی نیازهای نوین اهل دانش و ادب نیستند و ما در این جستار از آن‌ها به آسیب‌های نقد یاد می‌کنیم.

تذکره‌ها به رغم ساختاری همانند، در رویکردهای نقدی بعضاً با یکدیگر متفاوتند و افراط و تفریط‌هایی در این خصوص در آن‌ها دیده می‌شود. حبّ و بغض، نگاه امپرسیونیستی، سلیقه‌گرایی، کلی‌گویی، ابهام‌پراکنی و... از جمله آسیب‌هایی هستند که چهرهٔ تذکره‌ها را بسیار مخدوش کرده و بعضی را برآن داشته است تا به یکباره آن‌ها را به کناری نهند و ارزش‌های نهفته در آن‌ها را نادیده بینگارند. مؤلف تذکرهٔ تحفهٔ سامی نیز از این آسیب‌ها برکنار نمانده، حجم بالایی از مفردات و اصطلاحات نقدی او بویژه در خصوص صفات شعر و شاعری، در هاله‌ای از کلی‌گویی و ابهام فرو رفته‌اند و تعیین حدّ و مرز معنایی آن‌ها، یا امکان‌پذیر نیست و یا کاری است بس دشوار. تمامی رویکردهای نقد شامل نقد لفظ و معنی، نقد تذکره‌ای-زندگی‌نامه‌ای، اعتقادی، اخلاقی، تطبیقی، سبکی، فنی و بلاغی، در این تذکره دیده می‌شود. بیشترین توجه سام میرزا در طرح مباحث نقدی، نخست مربوط به صفات شعر و شاعر است و سپس بنابر اهمیت بُعد اخلاقی وجود آدمی در نزد نویسنده، در حوزهٔ نقد اخلاقی است.

از آنجا که موضوع اصلی این جستار بررسی دیدگاه‌های نقدی تذکرهٔ تحفهٔ سامی است و ناگفته پیداست که طرح و بررسی همهٔ مباحث نقدی این اثر در حوصلهٔ این مقاله نمی‌گنجد، پس از بررسی مسایل بنیادین نقد ادبی و نقد و توصیف تفصیلی الفاظ و اصطلاحات نقدی مربوط به توصیف شعر و شاعر، به اختصار به دیگر رویکردهای نقد ادبی در این اثر خواهیم پرداخت.

۵. دیدگاه‌های نقدی در تذکرهٔ تحفهٔ سامی

۱.۵ مباحث و مسایل بنیادین نقد ادبی

از جمله مباحث بنیادین نقد که به هیچ یک از مکاتب ادبی، نقدی و هنری وابسته نیست و توجه به آن‌ها از ضروریات مباحث نقدی به شمار می‌آید، تحقیق در صحت انتساب اشعار به شاعر، تقلید یا تتبع، سرقت‌ها، تضمین، قیاس و توجه و جوابگویی شاعران به یکدیگرست. تأثیرپذیری شاعران از یکدیگر و تضمین و تقلید که «ساده‌ترین صورت اخذ و سرقت محسوب است» (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۱۷۲)، حاصل مطالعه دیوان‌های شعر و تأمل و تفحص در آن‌ها و ضرورت به حافظه سپردن اشعار برتر شاعران عرب و عجم و نیز حوادث سیاسی و اجتماعی است. جواب‌گویی شاعران به یکدیگر و نیز تتبع و تقلید می‌تواند از گونه‌های تأثیرپذیری به شمار آیند. در تذکره تحفه سامی فراوان به این مقوله‌ها اشاره شده است؛ از جمله: جواب به سلسله الذهب مولانا جامی (۴۶)، جواب به سبحة الابرار جامی (۵۶)، جواب غزلی از جامی (۷۲)، در جواب قصیده امید (۹۴)، جامی در جواب جلاءالروح گفته (۱۴۸)، جواب گویی مولانا عبدالله هاتفی به فردوسی به درخواست جامی (۱۶۰-۱۶۱)، و... نکته قابل توجه این که در شعر این دوره بیشترین جواب‌دهی‌ها به اشعار جامی بوده است. و اینک نمونه‌هایی از تتبع: «این مطلع قصیده به تتبع انوری از اوست» (۴۴)، «در تتبع دریای ابرار امیرخسرو این بیت از قصیده اوست» (۵۶)، «در خوش طبعی و تیزفهمی تقلید امیر علیشیر می‌کرده‌اند» (۸۹-۹۰)، «قصیده مصنوع خواجه سلمان ساوجی را مکرر تتبع کرده» (۱۱۳). اخذ و اقتباس که تضمین نیز از مصادیق آن‌هاست، نتیجه غریزه تقلید است و امری ضروری است که در قدح و ذم آن مبالغه نباید کرد (← زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۱۶۵). از تضمین در تذکره تنها در سه مورد یاد شده است و گاه مورد بررسی نیز قرار گرفته است، از جمله: سام میرزا در خصوص قصیده‌ای از شوقی یزدی می‌نویسد: «در این قصیده مطلع قصیده مولانا امیدی را تضمین کرده و بسیار خوب واقع شده» (۱۹۲). سرقت نیز که از مباحث مهم نقد ادبی محسوب می‌شود و مصادیقی دارد که شمس قیس رازی آن‌ها را برشمرده است (← شمس قیس رازی، ۱۳۶۰: ۴۶۴ به جلو)، در این دوره شایع بوده و سام میرزا به نمونه‌هایی اشاره می‌کند؛ در احوالات قاضی اختیار گوید: «در اواخر عمر مثنوی به اسم صاحبقران مغفور به سلک نظم آورده نام آنرا عدل و جور نهاده و آن کتاب موازی پنج هزار بیت است و، اما چنان معلوم می‌شود که هزار بیت از اشعار ریاضی زاوه‌ای را دزدیده و بنام خود کرده» (۴۹). از جمله شیوه‌های نقدی سام میرزا که مسبوق به سابقه نیز می‌باشد، سنجش دو شاعر با یکدیگر است به منظور نمایش درجه شاعری یا سایر ویژگی‌های او؛ درباره مولانا محیی لاری می‌نویسد: «از جمله شاگردان مولانا علامه دوانی است و در علو سلیقه و صفای خاطر قرینه فغانی»

(۲۳۴). چنان‌که در این نمونه پیداست، گاه سجع‌پردازی سام‌میرزا به نقدهای او سمت و سویی خاص بخشیده و از اعتبار آن‌ها کاسته است.

۲.۵ الفاظ و اصطلاحات نقدی

الفاظ و اصطلاحاتی که منتقدان قدیم در شناخت و نقد آثار ادبی به کار می‌برده‌اند، بعضی مأخوذ از علوم بدیع و بلاغت بوده و بعضی از منطق و حکمت ناشی شده است. شناخت درست آن‌ها در فهم مقاصد و اغراض نقادان قدیم و حتی نقادان امروز ضرورت دارد و باید مورد توجه واقع شود (← زرین‌کوب، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۳۰). در تذکره تحفه سامی در مقایسه با رویکردهای فرامتنی که از سنت‌های دیرینه تذکره‌نویسی است، حجم بالای رهیافت‌های نقدی سام‌میرزا در بررسی صورت و محتوا یا لفظ و معنای شعر و نیز نقد توصیفی شخصیت ادبی شاعر، تحسین برانگیز است؛ اگر چه نسبت به تذکره‌هایی که در حوزه ادبی هند در سده‌های بعد نوشته شده است، از گرایش‌های خاص ادبی و نمایش ذوق و سلیقه عصر، در آن خبری نیست. الفاظ و اصطلاحات نقدی سام‌میرزا در دو دسته قابل بررسی‌اند.

۱.۲.۵ اصطلاحات نقدی مربوط به توصیف شعر

در تذکره تحفه سامی هر دو جنبه شعر یعنی صورت و محتوا، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با عنایت به جریان ادبی حاکم بر فضای فکری شاعران عصر، یعنی رویکرد معناگرایانه که تا حدودی حاصل الهامی دانستن شعر است، سمت و سوی نگاه نقدی سام‌میرزا بیشتر متوجه معناست تا صورت شعر. از آن‌جا که در مباحث نقدی تذکره‌صفت‌هایی که بار توصیفات نقدی را بردوش می‌کشند، اغلب محدوده معنایی دقیق علمی و مشخصی ندارند، از رهگذر آن‌ها نمی‌توان به آسانی به دستگاه اندیشمندی و دیدگاه‌های نقدی این شاهزاده صفوی نقبی زد و به نظریه ادبی خاصی رسید.

بنابر سنت دیرینه در تذکره‌نویسی، کاربرد زبان ادب با چاشنی ذوق و سلیقه، عامل اساسی کلی‌گویی‌ها و در نتیجه ابهام‌آفرینی‌ها در نقدهای تذکره‌ای است. از این‌رو به نظر می‌رسد با ریزبینی و تیزبینی در خرده‌گیری‌ها و نقدهای استحسانی و طنزهای نقد بنیاد هدفمند، بهتر می‌توان به مبانی نظری و دیدگاه‌های ادبی حاکم بر ذهن و زبان تذکره‌نویسان، بویژه در عصر صفوی، دست پیدا کرد. سوای نگاه فرامتنی در بررسی آثار ادبی در تذکره‌ها،

گاه منتقد ادیب (شاعر یا نویسنده)، تحت تأثیر عوامل فرامتنی و یا بر اساس میزان دانایی و ابزار موجود، دست به نقد و بررسی آثار ادبی می‌زند که این عمل نیز علمی و قطعی نخواهد بود.

۲.۲.۵ اصطلاحات نقدی مربوط به لفظ و صورت

«درباره الفاظ و اصطلاحات منتقدان به طور کلی باید این نکته را در نظر داشت که اکثر آن‌ها واضح و خالی از ابهام نیست [...] و بسا که بعضی از آن الفاظ بر مفاهیم و معانی کثیر اطلاق می‌شود» (زرین کوب، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۲۸). در تذکره تحفه سامی صفاتی که بار نقدها را بر دوش می‌کشند، اغلب از ابهام بالایی برخوردارند و به سبب گستره معنا، حد و مرز دقیق علمی برای آن‌ها نمی‌توان تصور کرد. و این نیست مگر حاصل استفاده از زبان شعر، که در آن نقش‌های ادبی، عاطفی و ترغیبی زبان مطرح است (← صفوی، ۱۳۷۳: ۳۱-۳۴)، به جای زبان علم یا خبر، که ابهام‌گریز و قطعیت‌گراست و راه را بر تأویلات مختلف می‌بندد. در ترکیباتی چون: خوش صحبت (۱۱۴، ۱۲۶)، گرم‌گفتار (۱۳۸)، طراوت کلام (۲۱۷)، کلام مرغوب (۵۱)، کلام به‌غایت‌رنگین (۵۳)، کلام شیرین (۵۱، ۹۹، ۱۱۴، ۱۲۳، ۳۰۱)، شیرین سخن (۱۳۸)، شیرین صحبت (۱۱۴)، شیرین‌گفتار (۴۷)، کلام مقبول (زیبا) (۱۲۳)، سخنان مقبول (زیبا) (۲۲۶)، که صفت‌ها با معانی کلی و بعضاً مبهم و مشترک بین لفظ و معنی، به کار رفته‌اند، نتیجه استفاده از زبان شعر و ابزار نه‌چندان کارآمد ذوق و سلیقه را در نقد آثار ادبی می‌توان دید. در این تذکره کلماتی چون لفظ، کلام، سخن، گفتار، بیت و شعر نیز با صفاتی همانند به جای هم به کار رفته‌اند و بر ابهام نقدها افزوده‌اند. سام میرزا درباره امیر راستی می‌گوید: «از غایت استقامت طبع، الفاظش فصیح و محاوراتش ملیح است» (۵۰)، درباره میرحسن فندرسکی می‌نویسد: «در وادی خوش طبعی، کلام بلاغت‌انجامش به‌غایت رنگین، در غزل بی‌بدل، و در قصیده عدیم‌المثل، چنانکه از این ابیات فصاحت و بلاغت او می‌توان دانست» (۵۳). در این دو نمونه چنانکه پیداست، الفاظ فصیح با ابیات فصیح، و کلام بلیغ با ابیات بلیغ مترادفند، اگر چه فصاحت، صفت کلمه و کلام و متکلم است، (← علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۱)، اما لغت «لفظ» در نمونه نخست، با توجه به فضای کلام می‌تواند در معنی بیت هم به کار رود چرا که سخن از نقد شعر است نه نثر. الفاظ سلیس (۱۲۲) و الفاظ روان (۱۵۳) نیز هر دو مترادفند و در معنی گفتار یا شعر روان می‌باشند، چنانکه در احوالات هلالی جغتایی آمده است: «در مثنویات

سه کتاب در رشته نظم کشید از آن یکی شاه و درویش است که در روانی الفاظ و چاشنی معنی از اکثر مثنوی استادان در پیش» (۱۵۳). ذکر دو نکته در این جا بایسته است: نخست این که بعضی از اصطلاحات نقدی مربوط به حوزه صورت و محتوا در این تذکره، برگرفته از کتاب‌های بلاغی قدیم است با حوزه معنایی مشخص، همچون: فصیح، بلیغ و موزون، در عباراتی چون: کلام بلاغت فرجام (۲۲۶)، شعر ناموزون (۳۶۵)، افصح فصحاء (۱۶۰)، سرآمد فضلالی بلاغت شعار (۱۱۶). دیگر این که بسامد کاربردت این واژه‌ها و دیگر اصطلاحات نقدی برآمده از کتب بلاغی، در تذکره تحفه سامی بسیار اندک است که خود گواهی است بر اتکای مؤلف بر نقدهای ذوقی تا علمی.

۳.۲.۵ اصطلاحات نقدی مربوط به معنی و محتوا

نقد معنایی، آن شیوه از نقادی است که در بررسی و تفسیر ادبیات ارزش و اعتبار حقیقی را از آن معنی و درون‌مایه آن تلقی می‌کند (← درگاهی، ۱۳۷۷: ۲۰۵). و مقصود از معنی و محتوا، موضوعات شعری و نوع افکار و عواطف و حالات و تجربیات شاعران و مقاصدی است که در کلام منظوم یا آفرینش‌های شعری بیان شده است (← رزمجو، ۱۳۷۲: ۴۷). بررسی انطباق معنای مورد نظر شاعر با آنچه بیان داشته و این که آیا به مقتضای حال سخن گفته است یا نه، از دیگر وظایف نقد معنایی است. از آن جا که ذوق و سلیقه ادبی حاکم بر ذهن و زبان شاعران عصر سام میرزا، معنی‌گرایی و سعی در باریک‌اندیشی‌های غریب و خیال‌پردازی‌های بدیع، بوده است، سام میرزا نیز در کوشش‌های نقدی خود، به جنبه محتوایی و معنوی آثار بیشتر پرداخته، در این خصوص نقدهای تند و تیزی دارد؛ اگر چه کلی‌گویی و ابهام‌پراکنی ویژگی بارز نقدهای اوست. از توجه و اشاره به موضوعات مختلف شعری هم غافل نشده، از موضوعاتی چون منقبت (۷۵، ۷۸، ۸۰، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۹۸، ۳۱۳، ۳۲۹، ۲۴۶)، نعت (۷۸، ۸۰، ۱۱۱)، توحید (۸۰)، اشعار جد و هزل (۱۲۶، ۲۷۵، ۲۷۷، ۳۱۱)، ساقی‌نامه (۱۴۴)، شهرآشوب (۲۰۸، ۸-۲۲۷، ۲۷۴، ۲۷۸، ۳۱۵، ۳۶۳، ۳۶۴)، مدح (۳۲۷) و... در تذکره سخن گفته است. البته اغلب تنها به گفتن این که فلان شاعر در فلان موضوع شعر سرورده است، بسنده می‌کند و گاهی نیز به نقد موضوع شعر پرداخته است؛ از جمله در احوالات تزریقی بیارجندی می‌گوید: «در آن باب (هزل) معنی‌های خوب دارد و سحر کرده» (۳۱۱).

از خلال نمونه نقدهای زیر که همراه با نام شاعر آورده می‌شود، تا حدودی می‌توان با شیوه نگرش نقادانه سام میرزا و سلیقه و گرایشات ذوقی ادبای آن عصر و نیز مشخصه‌های جمال‌شناسی آن دوره، آگاهی پیدا کرد؛ چرا که نقد تذکره‌ای «در جهت دادن به ذوق شاعران عصر، نقش بسزایی دارد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۰۴).

عبدی‌بیک: «خیال‌انگیزی او در مثنوی بسیار نازک و پرچاشنی واقع شده» (۹۵)، خواجه محمد مؤمن: «ذهن لطیفش غواص دُرر معانی» (۱۰۷)، مولانا محمد شرفی: «در رقت معانی و سلاست الفاظ وحید، افکار ابکارش به لباس معنی‌های رنگین آراسته و عروس حجله خیالش به زر و زیور قبول پیراسته» (۱۲۲)، هلالی جغتایی: «در مثنویات سه کتاب در رشته نظم کشید از آن یکی شاه و درویش است که در روانی الفاظ و چاشنی معنی از اکثر مثنویات استادان در پیش» (۱۵۳). سام میرزا پس از طرح جریان آزمودن جامی عبدالله هاتفی را، که بنای تتبع خمسه او را داشت، در مقایسه چهار بیت هاتفی با سه بیت فردوسی، در سنجشی معنایی می‌نویسد: «هرچند که این اشعار در برابر شعر حکیم فردوسی وقعی ندارد، اما مولانا جامی تحسین کرد و رخصت جواب خمسه گفتن داد» (۱۶۱)، مولانا لسانی: «شاعری متین و نکته‌دان و شیرین بود، اشعار او شترگره واقع شده، چه یک غزل او که تمام خوب باشد کم است، اما آنچه خوبست بسیار بسیار خوب واقع شده» (۱۷۹)، بابا نصیبی: «اتفاقاً روزی به صحبت بابا‌فاغانی رسید و شعر خود بر او خواند. فغانی را حلاوت کلام و چاشنی اشعار آن شیرین‌گفتار در مذاق جان قرار گرفته به صحبت سلطان یعقوبش برد» (۱۹۳)، الف ابدال: «این قطعه که در آن لطیفه‌هاست و لفظ رکیکی هم ندارد...» (۱۹۶)، مولانا ابدال: «اما گاهی اندکی از جزو اعظم (بنگ) تناول می‌فرمود و از سر کیفیت تمام به شعر گفتن مشغولی تمام می‌کرد. بنابراین اشعار او خالی از کیفیتی نیست، اما در اواخر از آن نیز تایب شد» (۲۱۴)، موالی تونی: «ابیات آبدار و اشعار هموار بسیار دارد» (۲۲۱)، ضمیری اصفهانی: «و بر دقت ذهن (معنای نازک) و وقوف بر غث و ثمین شعر از بی‌بدلان است» (۲۲۳)، ضمیری همدانی: «قصیده‌ای در تتبع مولانا امیدی به نام شاهزادگی بهرام‌میرزا گفته و در آن قصیده این دو بیت مندرج بود:

همه درویش رمز بگرایی

بهرتر از شاعری و ملایی

همه حافظ فلان و ماهیچه

که دلالی و دف‌کشی صدبار

این بیت را در خدمت نواب صاحبقرانی خوانده بودند و خاطر آن حضرت را از این غباری پیدا شده او را طلب و فرمودند این بیت چرا گفتی؟ در جواب گفت بواسطه آن گفتم که در این زمان این حال دارد...» (۲۲۴-۲۲۵)، که نمونه خوبی است از رعایت اقتضای حال و مقام از سوی شاعر. پرتوی شیرازی: «پرتو انوار کلام بلاغت فرجامش همه جا رفته و قبول سخنان مقبولش در دل ارباب وفا راه یافته» (۲۲۶)، رازی شوشتری: «و طبعش در غزل خوب بود، اما اشعار او شترگره واقع شده و در سایر اقسام نیز شعر می‌گفت، اما به کاری نمی‌آید» (۲۳۳)، سیمایی: «در تزریق‌گویی چنان ماهر و استاد بوده که چند بیت بلکه هزار بیت در یک ساعت می‌گوید» (۲۵۰)، معانی یزدی: «در شاعری خود را کم از شعرای نامی نمی‌داند، اما در شعر او به موجب المعنی فی بطن شاعر به حسب ظاهر معانی کم می‌توان یافت هر چند تخلصش معانی است» (۲۵۸)، فقیری عراقی: «گاه‌گاه در تنور خیال شعری خام نیم‌سوز بیرون می‌آورد» (۲۶۱)، فتحی تبریزی: «قصاید بسیار می‌گفت چون معنی از وی می‌پرسیدند به جوابی زبان می‌گشود که نمی‌توان گفت» (۲۷۱)، حدیثی ساوه‌ای: «اشعار او اکثر یاوه است» (۲۸۶)، تزریقی بیارجمندی: «در هزل اشعار بسیار دارد که لایق سیاق این کتاب نیست و فی الواقع در آن باب معنی‌های خوب دارد و سحر کرده، اما در این اوقات تایب شده و شعر معقول می‌خواهد بگوید، اما نامعقول می‌گوید» (۳۱۱).

در ادامه به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان با کم و کیف نقدهای معنایی سام میرزا، جهت پرهیز از درازگویی، فهرست‌وار در دو دسته به آن‌ها اشاره می‌شود. دسته‌ای که مفهوم آن‌ها روشن است و ذهن به راحتی به مقصود ناقد پی می‌برد و گروهی که تشخیص حد و مرز معنایی آن‌ها به سبب جامعیت صفات یا گستردگی دامنه مفاهیم یا اشتراک بین لفظ و معنی، دشوار است و در نتیجه ابهام برانگیزند.

دسته نخست: اشعار عاشقانه (۵۵، ۱۷۸، ۱۸۶)، شعر دارای معانی خاص (۶۴)، شعر عاری از خبثات و معایب (۲۲۱)، اشعار بغایت بچاشنی و غمزدا (۲۳۲)، اشعار در غایت سوز و درد (۲۴۷)، اشعار مضحک (۳۶۱)، شعر بی معنی (۳۶۵)، شعر بی مزه (۳۶۶)، اشعار شترگره (۱۷۹، ۲۳۳)، غزلیات پرسوز و درد (۱۸۷)، شعر تزریق (۹۷)، معانی خاص عاشقانه (۲۵۱)، رقت معانی (۲۱۸)، ابیات به‌غایت عاشقانه (۲۳۲).

دسته دوم: اشعار آبدار (۳۵، ۷۹، ۸۴، ۱۳۰، ۱۴۶، ۱۶۵، ۱۸۶، ۲۱۲، ۳۳۶)، اشعار عذوبت‌آثار (۸۴)، شعر مرغوب (۱۸۵)، اشعار متین (۱۸۶)، اشعار پرزور (۱۸۶)، اشعار

رنگین (۱۸۶)، اشعار مقبول (۱۸۷)، اشعار مطبوع (۱۸۷)، اشعار شیرین (۱۸۸)، اشعار دارای کیفیت [حاصل نشأه جزو اعظم یعنی بنگ] (۲۱۴)، اشعار خوب (۲۲۰)، اشعار هموار (۲۲۱)، شعر به‌غایت رنگین (۲۲۶)، اشعار لطیف (۲۲۹)، شعر روان (۲۵۱)، شعر عام‌پسند (۲۵۱)، شعر خام‌سوز (۲۶۱)، شعر با حرارت (۳۵۵)، شعر طرفه (۳۵۶) نظم متین (۱۶۳، ۲۲۶)، غزل خوب (۱۹۸)، لطافت شعر (۲۰۱)، ابیات نیک (۳۴۰)، ابیات آبدار (۲۲۱)، ابیات متین (۲۳۱)، ابیات طرفه (۳۶۳)، معنی رنگین (۱۲۲)، شرافت سخن (۲۱۷)، سخنان لطایف‌آمیز (۱۲۳)، تصنیف‌های خرطریف (۲۶۲). البته شایان ذکر است که به دلیل نسبی بودن و ابهام‌آلودگی نقدهای سام میرزا، در ذیل دو مبحث بعد و نیز در نمونه‌مثال‌های دیگر رویکردهای نقدی در تذکره، می‌توان با جلوه‌های دیگر نقدهای معنایی مؤلف آشنا شد.

۳.۵ اصطلاحات نقدی مربوط به توصیف شاعر

در تذکره تحفه سامی حجم گزارش‌های سام میرزا درباره احوالات مختلف شاعران، هم‌چون آرا و نظریه‌های نقدی او، بسیار متغیر است. گاه طومار شاعری را در یک سطر می‌پیچد و گاه به تفصیل، با رویکردهای مختلف نقدی، با بی‌پروایی و صراحت، شخصیت شاعر و شعر او را می‌کاود و برمی‌رسد. با تأمل در توصیفات نقدی سام میرزا در خصوص هنر شاعری سرایندگان، گاه با رأی‌های منصفانه و محتاطانه‌ای روبه‌رو می‌شویم که حکایت از دقت، ریزینی و تیزبینی او دارد، اگر چه گاه از ابهام خالی نیست؛ از جمله: «دغدغه شاعری دارد، اما ناموزونست» (۶۵)، «در شاعری رتبه شعر او بهتر از بسیاری از شعرای آنجاست» (۷۰)، «در شعر هم بد نیست» (۸۷)، «طبعش در شعر و ظرافت بد نبود» (۹۰)، شعر او خالی از نمکی نیست» (۱۱۱)، «در شاعری و قصه‌خوانی سخنش خالی از اثری نبود» (۱۴۰-۱۴۱)، «بی‌تکلف از متأخرین کسی قصیده را بهتر از او نگفته» (۱۷۳)، «...ولی غزل بهتر از اشعار دیگرش است» (۲۰۲)، «در شعر خصوصاً قصیده او را رتبه عالی بود چنان‌که او را مولانا دوست‌محمد قصیده‌خوان می‌گفتند» (۲۰۶)، «در اقسام شعر بد نبود» (۲۱۷)، «در شعر طبعش بد نیست» (۲۷۴)، «در شعر هم طبعش در جد و هزل بسیار خوبست» (۲۷۵)، «اشعار او بسیار است، اما آنچه به کار آید غیر از این مطلع نیست» (۲۸۱)، «گاهی شعرهای خوب از او سر می‌زد» (۲۸۴)، «گاهی از او شعرهایی سر می‌زند که خالی از حالتی نیست» (۲۹۰)، «شعر او خالی از اندک لطافتی نیست» (۲۹۰)، «شعر او خالی از لطافتی نیست» (۲۹۱)، «احیاناً بیت این‌چنین هم می‌گفت» (۲۹۲)، «گاهی مثل این شعری

می‌گوید» (۲۹۳)، «در هجو و هزل اشعار می‌گوید و بد می‌گوید» (۲۹۳)، «این مطلع برخلاف اشعار دیگرش خوب واقع شده» (۲۹۵)، «اشعار ناهموار می‌گوید» (۲۹۶)، «و این مطلع بر صفای ذهنش گواست» (۳۰۷)، «شاعر بدی نبوده» (۳۰۹)، «در گفتن شعر از امثال ممتاز بود» (۳۱۸)، «در شعر خصوصاً در قصیده همه کس او را قبول داشته است» (۳۴۲)، «در شعر فارسی و ترکی طبعش بسیار خوب» است (۳۴۵)، «در مثنوی نیز خوب بود» (۳۴۷)، «در اشعار مضحک مقبول عرب و عجم است» (۳۶۱)، «به‌غایت از وادی شاعری به دور افتاده» (۳۶۴)، «در شعر بد نیست» (۳۷۳).

و گاه با کلی‌گویی‌ها، اغراق‌ها و ابهام‌های ناشی از آن برخورد می‌کنیم؛ چنان‌که برای آن‌ها در متن اثر، مرزبندی و معنی دقیق علمی که گویای مافی‌الضمیر ناقد باشد، نمی‌توان تصور کرد. این اغراق‌ها یا حاصل سجع‌پردازی‌های شاعرانه اوست (← ۸۳، ۹۶، ۱۲۰، ...)، و یا برآمده از تأثرات از آثار ادبی؛ و اینک نمونه‌ای چند:

«همه قسم شعر می‌گوید، اما در مثنوی سرآمد زمانست بی‌تکلف در مدح‌گستری بی‌بدل است و کسی در این زمانه مثنوی را بهتر از او نگفته» (۳۹)، «در فصاحت بی‌نظیر زمان، و در بلاغت، فرید دوران خود بود» (۴۲)، نکته‌دان (۴۷، ۷۷)، سخن‌گذار (۴۷)، بی‌بدل در غزل (۵۳)، «عديم المثل در قصیده (۵۳)، خوش‌فهم (۵۷)، کهنه‌شاعر (۶۲، ۲۷۹)، فاضل (۸۰)، در شعر و انشاء یگانه دوران (۸۰)، «در بحث علمی و فصاحت بی‌نظیر زمان» (۸۰)، زبان‌آور (۹۲، ۲۹۶)، سخنور (۹۲)، مجلس‌آرا (۹۲)، «در خوش‌طبعی و سخنوری یگانه آفاق» (۹۲)، حاضر جواب (۹۳)، در شعر بی‌بدل، در هجو بی‌مثل (۹۴)، «در شعر ید بیضا دارد» (۹۵)، راست‌قلم (۹۵)، «در انشاء و فصاحت و در شعر و بلاغت سرآمد زمان و اعجوبه دوران» (۱۰۸)، «در اصناف شعر خصوصاً رباعی بی‌بدل بود» (۱۰۹)، «سلیقه‌اش در شعر و انشاء عديم‌المثال بود» (۱۱۰)، «...در نظم و نثر و هزلیات بی‌بدل زمانه» (۱۲۰)، دارای کمالات صوری و معنوی در نظم و نثر (۱۲۲)، «در هنر نادره دهور» (۱۲۴)، «در خط نستعلیق قطعات سحرآیتش سوادبخش دیده حورا» (۱۳۳)، «زبده‌ی شعرا و افصح فصحا بود و در شعر خصوصاً مثنوی گوی مسابقت از امثال و اقران می‌ربود» (۱۶۰)، شاعری متین و نکته‌دان و شیرین بود (۱۷۹)، «در شعر او را مرتبه عالی است» (۱۸۴)، «در شعر و انشاء بی‌مانند بود» (۱۸۷)، پاکیزه‌گوی (۱۹۲، ۲۳۱، ۲۵۴، ۲۹۹، ۳۰۹)، مشخص نیست که این صفت، صفت معنی یا لفظ است، چرا که درباره رازی شوشتری می‌نویسد: «از آن شهر شاعری پاکیزه‌گوی مثل اوی، تا غایت پیدا نشده طبعش به هزل مایل و راغب بود...، هجوهای غریب می‌گفت و مردم او را هجوهای رکیک می‌کردند» (۲۳۲-۲۳۳)، «بر دقت

ذهن و وقوف بر غث و ثمین شعر از بی‌بدلان است» (۲۲۳)، نادره‌گو (۲۲۷، ۲۴۷)، بغایت شیرین‌کلام در اقسام سخن (۲۳۶)، متجدد (۲۶۱)، «در فن قصیده قرینه ندارد» (۲۶۹)، «در ملاحی طاق است» (۲۷۷)، هذیان‌گو (۲۹۳).

سوی نقد شخصیت شاعری شاعر، گاه سام میرزا به بیان دیگر برجستگی‌های هنری که با هنر شاعری شاعران در پیوند است، می‌پردازد؛ از جمله، شعرشناسی: درباره میرزا اصغر متخلص به فنایی می‌گوید: «در شعر گفتن و شناختن مسلم روزگار» (۴۲)، و نیز ← ۳۶، ۴۲، ۵۰، ۶۲، ۹۶، ۳۱۹، پُرگویی: چنان‌که در خصوص مولانا نازکی همدانی می‌نویسد: «اوقات او صرف شعر می‌شود و هر روز قریب به هزار بیت می‌گوید و بر خود لازم کرده که جمع کتب نظم را جواب گوید از جمله شاهنامه که فردوسی به سی سال گفته او به سی روز گفته بود» (۲۸۸)، و نیز ← ۶۶، ۲۸۴)، دوزبانگی: (۲۴۶، ۳۴۴، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۶۶)، سه زبانگی: (۳۳۰)، به خاطر داشتن شعر بسیار: درباره قاضی روح‌الله می‌گوید: «اشعاری که به یاد داشت از ده هزار متجاوز بود» (۴۴)، و نیز ← ۴۹، ۵۱).

از جمله ویژگی‌های بسیار برجسته این شاهزاده صفوی در بررسی شعر و شخصیت شاعران، نقدهای تند و بی‌پروا و بعضاً گزنده اوست که گاه از زبان خود شاعران، ذکر می‌شوند و گاه در لباس طنز چهره می‌نمایانند. «شاید اقتدار سیاسی این شاهزاده به او امکان چنین نقدهای شجاعانه‌ای را داده است و گرنه هرکس که پای در چنین راهی گذاشته از دم تیغ طعن و هجو و قهر شاعران در امان نمانده است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۱۵). و اینک نمونه‌ای چند:

شاه‌حسین سیاقی: «در اقسام شعر بد نبود، اما در شعر او قافیۀ غلط بسیار است» (۲۱۷)، رازی شوشتری: «طبعش در غزل خوب بود، اما اشعار او شترگره واقع شده و در سایر اقسام نیز شعر می‌گفت، اما به کاری نمی‌آید» (۲۳۳)، میرزا محمد امینی: «در شعر خود را قرینه خسرو و سعدی پندارد» (۲۳۸)، مولانا ادایی: «شعر بسیار گفته، اما قافیۀ غلط در شعر او بسیار است» (۲۳۹)، مولانا قوسی: «چون عامی است گاهی در قافیه غلط میکند» (۲۵۴)، معانی یزدی: «در شاعری خود را کم از شعرای نامی نمی‌داند، اما در شعر او به موجب المعنی فی بطن شاعر بحسب ظاهر معانی کم می‌توان یافت هر چند تخلّش معانی است» (۲۵۸)، صیرفی کور: «در شعر و ادای شاعری، خسرو و سعدی و حافظ را در خاطر نمی‌آورد» (۲۶۱)، مولانا محسنی اردبیلی: «از شاعری همین‌گدایی یاد گرفته» (۲۶۶)، حزمی اصفهانی: «به گیلان رفت و شهر آشوبی جهت آن‌جا و مذمت مردم آن‌جا گفت، او را به امر

بدی متهم ساختند، زبانش بریدند، اما این جایزه او را برای اشعار دیگرش می‌بایست نه جهت هجو مردم گیلان» (۲۷۸)، بیکسی شوشتری: «از بس که خیال می‌کند خللی در دماغ او پیدا شده» (ص ۲۶۹)، نازکی استرآبادی: «به شعر خود بسیار اعتقاد دارد» (۲۷۹)، شوقی کاشانی: «از شعرایی است که همین اسم شاعری دارند و بس این مطلع که به هیچ کار نمی‌آید از اوست» (۲۸۵)، حدیثی ساوه‌ای: «اشعار او اکثر یاوه است» (۲۸۶)، نازکی همدانی: «در شعر او ردیف و قافیه غلط بسیار است و به غیر از تخلص در شعر او نازکی نیست و در شعر او چیزهاست غیر از معنی» (۲۸۸-۲۸۹)، تزریقی بیارجندی: «شعر معقول می‌خواهد بگوید، اما نامعقول می‌گوید» (۳۱۱)، بهاری اصفهانی: «به شعر خود اعتقاد بسیار دارد، اما هیچکس به او اعتقاد ندارد» (۳۱۳)، میر حاتم رازی: «به سه زبان شعر می‌گوید کاشکی نمی‌گفت» (۳۳۰)، استاد شاه‌قلی نقاش قمی: «در شعر خود را یگانه آفاق می‌داند» (۳۷۲)، مولانا غیاث‌الدین باغبان کنی: «در شاعری خود را ذوفنون می‌گیرد، اما ناموزون بسیار می‌گوید» (۳۷۳).

۴.۵ اصطلاحات مربوط به توصیف لوازم شاعری

سام میرزا، این شاعر خوش‌ذوق و سخن‌سنج ماهر، از پرداختن به جوهره و مایه اصلی شعر و شاعری یعنی عنصر ذوق یا قریحه، که از آن بیشتر به طبع یاد می‌کند، غافل نمانده است. «طبع» در لغت به معنی سرشتی که مردم بر آن آفریده شده، طبیعت، قریحه شعری، استعداد شعر سرودن، ذوق شعر گفتن و... (← دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل طبع)، می‌باشد که از میان معانی فوق، قریحه شعری، استعداد شعر سرودن و ذوق شعر گفتن، تناسب بیشتری با موضوع مورد بحث دارد. «ذوق و طبع نوعی فرهیختگی و ملکه نفسانی است که بیرون از حوزه عقل به‌طور خودکار انجام وظیفه می‌نماید، چه در آفرینش هنری و چه در قضاوت و ارزیابی آثار» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۶۳). درباره اشارات نقدی سام میرزا در خصوص طبع شاعران، ذکر چند نکته بایسته است: نخست این‌که بسامد بالای کاربرد کلمه طبع در تذکره، گویای این مهم است که وی همچون بسیاری از پیشینیان، اساس شاعری را بر قریحه و ذوق می‌داند نه بر آموزش و اکتساب، و اگر بندرت از دانش‌های مرتبط با شاعری، یعنی عروض، قافیه و صنایع شعری (← ۱۳۷، ۳۰۰) یاد می‌کند، آن‌ها را به تنهایی کافی نمی‌داند و از شعر هیچ‌گاه به علم تعبیر نمی‌کند. البته فقدان اشارات به فنون شعر و شاعری، ممکن است مبین ناروایی سکه این علوم در عصر مؤلف و بی‌توجهی شاعران معناگرا به آن‌ها نیز

باشد. دو دیگر این‌که سام میرزا در بررسی طبع شاعران نیز اسیر همان آسیب‌های معتاد زمانه در داوری است؛ چنان‌که از رهگذر اغلب توصیفات نقدی وی، نمی‌توان فهمید که ناقد با رویکردی صورت‌گرایانه طبع شاعر را برمی‌رسد یا با جستجو در درون‌مایه‌های غریب و بدیع اثر؛ درنمایه‌هایی که آن‌ها را با صفات و قیودی چون خوب، عالی، بلند، روان، ملایم، مرغوب، صافی، بغایت، بسیار و... می‌ستاید و درجه‌بندی می‌کند. سوم این‌که در این تذکره دیگر مترادفات «طبع» یعنی طبیعت و سلیقه، با همان بار معنایی و شیوه نقدی، به کار رفته‌اند. درباره عزالدین جبلی گوید: «سلیقه شعرش جبلی و شیوه فضلش فطری است» (۸۵). بازی‌های لفظی ناقد از جمله در همین نمونه که به مناسبت نام عزالدین برای سلیقه صفت جبلی آورده است، نقدهای او را تا حدی مخدوش کرده است. اکنون برای نشان دادن میزان توجه سام میرزا به طبع و جلوه‌های نقدی آن، تمامی نمونه‌های استخراجی آورده می‌شود:

طبع: طبع خوب (۲۹، ۵۱، ۵۷، ۶۸، ۱۲۹، ۱۸۵)، طبع بسیار خوب (۷۵، ۲۶۷)، طبع عالی (۲۲۷)، طبع بغایت عالی (۲۱۹)، طبع بلند (۲۳۸، ۲۹۹)، طبع بغایت بلند (۱۲۷)، طبع در درجه کمال (۳۳)، طبع متصرف (۱۱)، طبع سحرآفرین (۱۱)، طبع خوش (۳۴، ۳۵، ۳۹، ۵۳، ۵۵، ۵۶-۵۷، ۷۲، ۷۵، ۸۷، ۸۸، ۹۲)، بسیار خوش طبع (۱۴۱)، طبع زیبا (۳۴)، لطافت طبع (۳۸، ۲۰۱)، لطف طبع (۴۷، ۷۰، ۲۲۸)، استقامت طبع (۵۰)، طبع در غایت تصرف و شوق‌انگیز (۹۲)، طبع صافی (۹۳، ۱۳۱)، استقامت طبع (۹۶)، طبع موافق (۹۸، ۱۲۵، ۲۷۸)، حدت طبع (۱۰۰، ۲۲۱)، طبع وقاد (۱۰۳، ۲۲۱)، طبع مستقیم (۱۰۷، ۱۶۵، ۲۰۶)، جودت طبع (۱۱۳)، طبع ملایم (۷۴، ۱۱۹، ۳۵۴، ۳۶۷)، طبع مرغوب (۱۲۹، ۲۹۵)، طبع بغایت مرغوب (۱۵۳)، طبع موزون (۱۲۹)، طبع نقاد (۱۵۳)، ذکای طبع مستقیم (۱۶۵، ۲۰۶)، ظرافت طبع (شوخی‌طبعی) (۱۶۷)، طبع سلیم (۱۷۳)، جودت طبع سلیم (۱۷۳)، طبع سراسر (۲۱۷)، طبع چسبان (۲۲۳)، طبع دارای انگیز (۲۵۷، ۲۶۴، ۲۸۸)، کج‌طبع (۲۶۲)، طبع بانگیز (۱۰۹، ۲۶۵، ۲۷۰، ۳۲۱)، طبع بیچاشنی (۲۴۰)، طبع شوخ (۳۰۰)، غایت دقت طبع (۳۳۸).

ذوق: ذوق مرغوب (۳۸).

طبیعت: طبیعت شعر (۶۳)، طبیعت موزون (۲۷)، طبیعت درآکش در شعر و معما ...

بغایت روان (۷۷).

سلیقه: سلیقه نظم (۱۵)، سلیقه انشاء (۳۲، ۱۱۰، ۶۳)، سلیقه شعر (۱۱۰)، سلیقه چسبان در معماً (۱۷۱)، سلیقه موزون (۸۳)، سلیقه جبلی (۸۵)، سلیقه وافی (۹۳)، سلیقه روان (۹۸)، سلیقه مرغوب و دلپسند (۱۲۷، ۳۴۳)، سلیقه عديم‌المثال (۱۱۰)، علو سلیقه (۲۳۴)، سلیقه وافی (۲۴۵).

به رغم آغاز باریک‌اندیشی‌ها و نازک‌خیالی‌های غریب شاعرانه در شعر عصر صفوی، در تذکره تحفه سامی از قوه خیال جز در موارد زیر سخنی به میان نیامده است: «در اشعار تخیلات نیک دارد» (۷۲)، «خیال انگیزی او در مثنوی بسیار نازک و بر چاشنی واقع شده» (۹۵)، «از بسکه خیال می‌کند خللی در دماغ او پیدا شده» (۲۶۹). دیگر قوای نفسانی شاعر که به کار شعر و شاعری می‌آیند و صاحب تذکره از آنها با دیدی انتقادی یاد کرده است، عبارتند از: ذهن، فکر، و مترادفات آن یعنی فهم، ادراک و خاطر. نمونه‌ها:

ذهن مرغوب (۲۹)، «در شعر گفتن ذهن خوب دارد» (۳۶)، ذهنی بصفحت حلدت متصف (۱۱-۱۲، ۳۰، ۱۱۳، ۱۲۱، ۳۴۹)، رقت ذهن (۷۵)، ذهن وافی (۱۳۱)، ذهن سلیم (۱۶۵، ۲۰۶)، صفای ذهن سلیم (۱۶۵، ۲۰۶)، ذهن جلی (۲۲۷)، صفای ذهن (۲۲۸، ۳۰۷)، ذهن صافی (۲۴۵)، ذهن بغایت ملایم در نظم (۳۴۴)، ذهن لطیف (۱۹۷)، ذهن مستقیم (۱۷۳)، حلدت ذهن مستقیم (۱۷۳)، دقت ذهن (۲۱۲)، حلدت فهم (۴۵، ۲۱۲، ۲۳۷)، تیز فهم (۸۹)، فکر بکر (۱۱۹)، افکار بکر (۸۴، ۱۲۲)، طبع فکر بکر (۱۲۲)، سرعت فهم (۲۲۱)، بغایت خوش فهم (۳۴۰)، صفای ادراک (۳۳۸)، خاطر خطیر (۳۸)، صفای خاطر (۱۳۱، ۲۳۴).

۵.۵ رویکردهای نقد ادبی

۱.۵.۵ رویکردهای مربوط به نقد فنی

نقد فنی شامل گستره وسیعی از مباحث نقد ادبی است که در حوزه لفظ کاربرد دارند، «یعنی هر آنچه که در زمینه امور و مسایل فنی و تکنیکی شعر و ادبیات، و ساخت و بافتار کلام و شگردهای هنری یا مبانی استتیک آن کاوش می‌کند، و غالباً به مباحثی چون وزن و سبک و بدیع و بیان و بلاغت‌شناسی می‌پردازد» (درگاهی، ۱۳۷۷: ۵۵).

۱.۱.۵.۵ نقد سبکی

از جمله مباحث اصلی در بررسی متون نظم و نثر، نقد سبکی یا «نقد اصالت سبک» (ذوالفقاری، ۱۳۷۷: ۹۲) است. «منتقد از زاویه نقد سبکی علاوه بر دقت نظر در شیوه بیان و اندیشه‌های خاصی که می‌تواند نویسنده را برجسته سازد باید بر اصالت کلام و اندیشه هم توجه داشته باشد و آن را تبیین نماید.» (همان: ۹۲)، چرا که نوآوری در اندیشه، البته به شرط اصالت آن، همچون نوآوری در بیان، اثر ادبی را منحصر به فرد می‌کند؛ مثل رباعیات خیام. در تذکره تحفه سامی از نقد و توصیف سبک به مفهوم علمی و فنی آن خبری نیست، آنچه هست کاربرد اندک واژه‌هایی چون اسلوب، طریق، اصناف، سیاق و روش است که معادل با کلمه سبک می‌باشند، البته نه به مفهوم علمی آن، زیرا در این نمونه‌ها از طرز تازه و نوی سخن نرفته است. سام میرزا درباره هلالی جغتایی می‌گوید: «طبعش در اسالیب شعر و اقسام کلام بغایت مرغوب افتاده و در غزل و قصیده و مثنوی داد سخن داده» (۱۵۳)، درباره شعر مولانا امیدی می‌نویسد: «این چند بیت به طریق غزل از جمله اشعار اوست» (۱۷۵)، درباره ضمیری اصفهانی گوید: «طبعش در اصناف و اسالیب سخن چسبان» (۲۲۳)، در گزارش از هلاکی همدانی پس از توصیف قابلیت او در فن شعر، به نکته مهم تربیت ذوق اشاره دارد که «اگر او را مربی بودی گوی فوق از بسیاری در بودی، خداهش مزد دهاد که بسعی خود را بدین مرتبه رساند، سیاق کلامش مصداق حال و شاهد این مقال است» (۲۳۰)، درباره عبدالوهاب رشتی می‌نویسد: «عروض و قافیه و صنایع شعری را خوب دانسته ... و در همه روشی شعر گفته» (۳۰۰).

۲.۱.۵.۵ نقد بلاغی

علوم بلاغی در میان اعراب از چنان اهمیتی برخوردارند که چون سخن از نقد ادبی به میان می‌آید، آن را مترادف با نقد بلاغی می‌دانند (← ضیف، ۱۳۶۲: ۴۲). با وجود این که شعر دوره صفوی یا سبک هندی، لبریز از نازک‌خیالی‌ها و معنی‌تراشی‌های غریب است، در تذکره تحفه سامی هیچ اشاره نقدی به صورت‌های خیال نشده است، در حالی که این تذکره در حقیقت نقد و بررسی شعر طلایه‌داران این سبک به‌شمار می‌آید و سام میرزا بر آن است که «سخنوران این روزگار گوی لطافت به چوگان مسابقت از شعرای سلف ربوده‌اند و به صیقل نراکت و دقت زنگ کدورت از خاطر اهل ادراک زدوده‌اند». در یک مورد آگهی خراسانی در شهر آشوبی که به جهت ساکنان هرات گفته و در آن چهره معین میکال را به سبب پرآبله‌ای به نشانه‌های نجاست تشبیه کرده است؛ سام میرزا با ذکر ابیات، آن را طرفه تشبیه می‌خواند (۲۰۸-۲۰۹). در جای دیگر در

احوال مانی شیرازی می‌نویسد: «چون مصوّر بی‌بدل و نقّاش بی‌نظیر بود، اشعارش خالی از صورتی نیست» (۲۰۰)، که به نظر می‌رسد بر اساس بازی‌های لفظی سام میرزا که در تذکره زیاد دیده می‌شود، منظور او آوردن لفظ «صورت» در شعر است و این بیت را شاهد مثال می‌آورد:

صورت مجنون کشم در عاشقی تمثال خویش تا بدان بدخو نمایم صورت

احوال خویش (۲۰۰)

در بررسی دیدگاه‌های نقدی سام میرزا، آنچه در زیر مجموعه نقد فنی و بلاغی قرار می‌گیرد، اشارات مختصر نقدی وی به تعدادی از صناعات ادبی و قالب‌هاست، که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱.۲.۱.۵.۵ صناعات ادبی

در تذکره تحفه سامی به صناعات ادبی هیچ اشاره‌ای نشده است، تنها در چند موضع سام میرزا به ذکر وجه تسمیه تخلص یا نام شاعر پرداخته است که گاه رنگ و بوی انتقادی نیز دارد، از جمله: قاضی نورالله: «تخلص او انیسی است و فی الواقع که اسم با مسمی بود که مثل او انیسی در هیچ زمان نبود» (۱۲۰)، عبدالکریم پادشاه: «وجه تسمیه او آن که دماغش پریشانی پیدا کرده و خود را پادشاه نام کرد و به مردم حکم‌های غریب می‌کرد» (۱۳۵)، شیخ رباعی: «از اقسام شعر به رباعی میل دارد و بدین واسطه او را شیخ رباعی می‌گویند» (۲۳۹)، غیاث قافیه‌ای: «وجه تسمیه او این است که هر قصیده و غزلی که می‌گفت چندان که قافیه داشت، می‌گفت. اگر چه غزلی صد بیت می‌شد و اگر دیگری قافیه پیدا کردی که او نگفته بودی، زر داده می‌خرید! و داخل شعر خود می‌ساخت و اصلاً مقید به معنی نبود» (۲۹۲)، قاری کاشانی: «به واسطه تحیر در عشق یا حیرت اندر افعال خود حیرانی تخلص می‌کرد» (۳۲۱).

۲.۲.۱.۵.۵ انواع ادبی (قالب‌ها)

بررسی مطابقت یا عدم مطابقت محتوا با نوع ادبی یا قالبی که لباس اندیشه شاعر می‌باشد و زیبایی‌ها و ساختار خاص خود را دارد، از دیگر وظایف نقد فنی است. در تذکره تحفه سامی به قالب‌های متعارفی چون قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، ترجیع‌بند، قطعه، تصنیف، و قالب‌های نامتعارفی چون «مطلع»، اشاره شده است، اما از ارتباط دو سویه قالب با محتوا سخنی نرفته است. آنچه هست یا اشاره به صورت قالب است، یا به محتوا و یا به

جنبه‌های فنی آن. در احوالات اهلی شیرازی آمده است که: «در جمیع اصناف سخن شعر می‌گفت، مثنوی هم می‌فرموده هم ذوب‌حیرین و هم تجنیس که عقل در او متحیر و قصیده مصنوع خواجه سلمان را به اسم میرعلیشیر تتبع کرده و چند صنعت بر او زیاده کرده. امیر علیشیر انصاف داده که بسیار به از قصیده خواجه سلمان گفته، در غزل نیز اشعار عاشقانه بسیار دارد» (۱۷۷-۱۷۸)، ساغری کاشانی نیز «یک مثنوی در تعریف بنگ گفته» (۲۷۷). دیگر توصیفات نقدی سام میرزا در خصوص قالب‌های شعری از این قرار است: رباعی آبدار (۱۲)، رباعی هزل‌آمیز (۱۲۰)، غزل‌های عاشقانه (۴۳)، قصاید غراً در منقبت (۷۵)، قصاید خوب (۱۶۷، ۱۶۹، ۲۵۴)، قصیده به طریق لغز (۲۱۲)، غزل و قصیده مقبول و مرغوب (۲۲۱)، قصیده نیک (۲۸۵)، تصنیف متین (۷۶)، مطلع آبدار (۳۵)، مطلع بسیار نازک (۸۲)، مطلع پرسوز (۱۹۹)، مطلع تزریق (۲۳۸)، مطلع غراً (۳۴۷). نکته مهم این‌که بیشترین نمونه اشعار شاعران در این تذکره، مطلع است و پیش‌درآمدی است بر تک‌بیت‌سرایی‌ها در سبک هندی.

۲.۵.۵ نقد اخلاقی

از مهم‌ترین رویکردهای نقد ادبی است، به افلاطون و آرای او بر می‌گردد (← صمصام و نجار، ۱۳۸۸: ۹۳). در همه دوره‌های ادبی و در تمامی جوامع انسانی این رویکرد موافقان و مخالفانی داشته است و در این خصوص افراط و تفریط‌هایی صورت پذیرفته است. «اساس این شیوه نقد مبتنی بر این نکته است که آیا ادب و هنر وسیله و افزار اخلاق و تربیت است یا این‌که خود هدف و غایت خویش است؟» (زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۶۷). در بررسی نقدهای اخلاقی در تذکره‌ها آنچه مایه شگفتی است، توجه صاحبان تذکره به گرایش‌های فرامتنی و ویژگی‌های مثبت یا منفی اخلاقی شاعران است تا قضاوت در باب ارزش اخلاقی آثار ادبی آن‌ها؛ اگرچه در مقایسه با دیگر تذکره‌نویسان از جمله نصرآبادی (متوفی به قرن یازدهم)، پاک‌زبانی و حیای این شاهزاده صفوی در پرهیز از نقل هرزه‌گویی‌ها و یاوه‌سرایی‌های بعضی از شاعران ناپاک‌زبان عصر خویش، خود نوعی نقد اخلاقی شعر است و جدایی سره از ناسره، و شاید همین منش والا، سبب رویکرد جدی مؤلف به نقد اخلاقی شاعران هم‌عصر خود شده است. اما آنچه گفتن آن در این جا ضروری می‌نماید، رواج بازار هجوگویی در زمانه سام میرزا است. اگر چه شاهزاده مهذب صفوی در نقل نمونه اشعار از ذکر هجوایات خودداری می‌کند و می‌نویسد: «هاجی و هزلیات رکیک او (الف ابدال) بسیار است، اما محرر از تحریر آن عذر مکرر می‌خواهد (۱۹۶)، اما بنابر

رسالت ضبط تاریخ و بررسی آثار شعری، ضمن اشاره به چنین اشعار، گاه به نقد آن‌ها نیز می‌پردازد و شاعری را برمی‌کشد، چنان‌که درباره بیاضی استرآبادی گوید: «اکثر شعرهای او هجو رکیک است... اما در آن باب داد سخن داده»، (۳۲۵)، و یا با شلاق انتقاد در مقام تأدیب شاعر دیگری برمی‌آید و می‌گوید: «قاضی عبدالخالق کره‌رودی از طبقات قضاة بلدة المؤمنین قم است و از زمهری غوایت‌مآب والشعراء یتبهم الغاوون زیرا که با وجود تمکن در مسند خیرالبرایا، اکثر اوقات زبان به فحش و هجو می‌گشود» (۸۴).

طبق بررسی آماری بیش از ۱۵۰ مورد نقد اخلاقی شاعران در تذکره دیده می‌شود که گزارش‌های ناپسند اخلاقی صاحب تذکره از شاعران عصر خویش، نزدیک به دو برابر گزارش‌هایی است که در آن‌ها از اخلاق نیکوی شاعران یاد شده است و این حاکی از رواج فساد اخلاقی در جامعه عصر سام میرزا است. تنها در دو سه مورد دیده شده که مؤلف تذکره به نقد شعر با ملاک‌های اخلاقی پرداخته است، آن هم گاه به اشارت، از جمله: درباره مولانا نوری نیشابوری گوید: «در شعر هرگز زبان به مدح کسی نمی‌گشود» (۲۹۸). پربسامدترین صفات منفی اخلاقی شاعران این عصر که سام میرزا از آن‌ها یاد کرده است، عبارتند از: آمدن بازی، هجو و هزل‌گویی‌های رکیک، سرقت‌های ادبی، شرب مدام و استفاده از نشئه‌جات.

۳.۵.۵ نقد تذکره‌ای - زندگی‌نامه‌ای

اساس کار ناقد در این شیوه، شناخت پدید آورنده اثر ادبی است؛ چرا که اثر ادبی بازتابی از حالات مختلف اوست؛ حالاتی که خود مولود حوادث زندگی یا شرایط مختلف اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و اقتصادی حاکم بر عصر و حتی حاکم بر محیط ادبی است که او در آن بالیده است. بررسی این عوامل تأثیرگذار بر ذهن و زبان هنرمند، می‌تواند منتقد را تا حدودی در تحلیل انگیزه آفرینش اثر و بررسی جنبه‌های دیگر آن یاری رساند. البته «ثمر بخش‌ترین و روشنگرترین نوع نقد آثار ادبی قدیم غالباً بین دریافت‌های تاریخی و جمال‌شناسی صرف نوسان دارد» (دیچز، ۱۳۶۶: ۴۹۹). در تذکره تحفه سامی این نوع نقد به مفهوم علمی آن، کمتر دیده می‌شود و سبب آن شاید یادکرد بیش از ۷۰۰ شاعر است که این حجم بالا رعایت اختصار را بر مؤلف تحمیل کرده است. در صفحات ۲۰۹-۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴ و ۳۰۶، نمونه‌ای از این نوع نقد را می‌توان دید؛ از جمله در احوالات قاضی محمد غفاری آورده است: «گویند که در هنگام جوانی، جوانی صادق نام او را در حوض آبی انداخته و دستش را مجروح ساخت این قطعه را در آن باب گفته:

ز عشق صادق اگر دست من شکست چه باک کسی که عاشق صادق بود چنین باشد
پی ثبوت مرا احتیاج بی‌ینه نیست «گواه عاشق صادق در آستین باشد»
(۱۲۱)

۴.۵.۵ نقد اعتقادی

به رغم این‌که عصر صفوی عصر حاکمیت دین و رشد گرایش‌های مذهبی است، نقد اعتقادی بر خلاف تذکره نصرآبادی، جایگاه چندانی در تذکره تحفه سامی ندارد. آنچه در این تذکره آمده است، نقد شخصیت اعتقادی شاعر است نه نقد شعر شاعر، که خود قابل تأمل است. از جمله: درباره مولانا غوغایی گوید: «چون در اعتقاد خلل تمام داشته همیشه اعمال ناشایست از او سر می‌زده» (۳۰۴)، در شرح حال عیدالله خان بن سلطان محمود می‌نویسد: «و بغیر از عداوت آل رسول [صلی] الله علیه و آله و سلم نظر بر اندیشه دیگر نمی‌گماشت» (۲۹).

۶. نتیجه‌گیری

در میان تذکره‌های فارسی، بویژه تذکره‌های عصر صفوی، تذکره تحفه سامی به لحاظ گستره مباحث نقدی در زمینه‌های مختلف متنی و فرامتنی، از اهمیت بالایی برخوردار است. در این اثر سواى رویکردهای مختلف نقدی، همچون نقد لفظ و معنی، نقدهای تذکره‌ای - زندگی‌نامه‌ای، اعتقادی، اخلاقی، سبکی، فنی و بلاغی، اخبار و اطلاعات بسیار ارزنده‌ای درباره ارزش‌های حاکم بر جامعه و سلیقه‌های مختلف فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، هنری و ... گردآوری شده است که از خلال آنها تا حدودی می‌توان اوضاع و احوال قرن دهم هجری را رصد کرد. تذکره تحفه سامی در تنظیم بخش‌های چندگانه با نگاهی اجتماعی و سیاسی، دوگانگی نثر در دیباچه اثر و متن اصلی، سبک و سیاق گزارش احوالات شاعران، بی‌ضابطه‌گی نقدها، ساختار دایره‌المعارفی، و مشخصه‌های دیگر، به دیگر تذکره‌های پیش از خود می‌ماند. اگر چه سام میرزا در سخن‌شناسی زیرک است و ماهر، اما در نقد و بررسی آثار ادبی، گرفتار آسیب‌های معتاد زمانه است؛ آسیب‌هایی چون نگاه امپرسیونیستی، سلیقه‌گرایی، کلی‌گویی، ابهام‌پراکنی و ... که نقدهای آن را مخدوش کرده است. حجم بالایی از مفردات و اصطلاحات نقدی سام میرزا بویژه در خصوص

صفات شعر و شاعری، در هاله‌ای از کلی‌گویی و ابهام فرو رفته‌اند و تعیین حدّ و مرز معنایی آن‌ها، یا امکان‌پذیر نیست و یا کاری است بس دشوار؛ و این نیست مگر حاصل استفاده از زبان شعر، زبانی با نقش‌های ادبی، عاطفی و ترغیبی، به جای زبان علم یا خبر، که ابهام‌گریز است و قاطع، و راه را بر تأویلات مختلف می‌بندد. در پاره‌ای از مواضع، سبک و سیاق تاریخ ادبیات نویسی بر جنبه‌های نقدی تذکره تحفه سامی چیرگی یافته است. بیشترین توجه سام میرزا در طرح مباحث نقدی، نخست مربوط به صفات شعر و شاعر است و سپس در حوزه نقد اخلاقی است، آن‌هم بنابر اهمیت این بُعد از وجود آدمی در نزد نویسندگان؛ چرا که بر اساس مقدمه اثر، برای شعر و شاعری قداستی قائل است و خود نیز متخلّق به صفات والای اخلاقی است، از این‌رو کج‌تابی‌های ادبی و اخلاقی را بر نمی‌تابد و از نقد بی‌پروا و تند و تیز آن‌ها که از ویژگی‌های بسیار مهم این تذکره به‌شمار می‌آیند، ایابی ندارد.

منابع:

- تربیت، محمد علی (۱۳۶۷). *دانشمندان آذربایجان*، تبریز: بی‌نا.
- توکلی فرد، فاطمه (۱۳۹۱). «معرفی، بررسی و تحلیل تذکره تحفه سامی»، *آینه میراث*، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ش ۵۱، صص ۷۸-۴۳.
- درگاهی، محمود (۱۳۷۷). *نقد شعر در ایران (بررسی شیوه‌های نقد ادبی در ایران از آغاز تا عصر جامی)*، تهران: امیرکبیر.
- دیچز، دیوید (۱۳۶۶). *شیوه‌های نقد ادبی*، ترجمه غلامحسین یوسفی و محمد تقی صدقیانی، تهران: علمی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دوره‌ی جدید، چ دوم، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری، محسن (۱۳۷۷). *اصول و شیوه‌های نقد ادبی در زبان فارسی*، چ اول، اراک: کتیبه.
- رزمجو، حسین (۱۳۷۲). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- زرّین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱). *نقد ادبی*، دو جلد، تهران: امیرکبیر.
- زرّین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲). *آشنایی با نقد ادبی*، تهران: سخن.
- سام میرزا صفوی (۱۳۸۴). *تذکره تحفه سامی*، تصحیح رکن الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
- شمس‌الدین محمد بن قیس رازی (۱۳۶۰). *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: زوار.
- صفوی، کورش (۱۳۷۳). *از زبان‌شناسی به ادبیات (جلد اول: نظم)*، تهران: چشمه.
- مصصام، حمید و فرشید نجار همایون‌فر (۱۳۸۸). *درآمدی بر نقد شعر فارسی*، تهران: دستان.

۷۴ آسیب‌شناسی و توصیف رهیافت‌های نقدی در تذکره تحفه سامی

- ضیاف، شوقی (۱۳۶۲). *نقد ادبی*، ترجمه لمیعه ضمیری، تهران: امیرکبیر.
- علوی مقدم، محمد و رضا اشرف‌زاده (۱۳۷۶). *معانی و بیان*، تهران: سمت.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷). *نظریه‌های نقد ادبی معاصر (صورتگرایی و ساختارگرایی)*، تهران: سمت.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۵). *نقد ادبی در سبک هندی*، تهران: سخن.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). *تاریخ تذکرة‌های فارسی*، دو جلد، تهران: کتابخانه سنایی.
- محبّتی، مهدی (۱۳۸۸). *از معنا تا صورت*، دو جلد، تهران: سخن.
- نصرآبادی، میرزا محمدامین (۱۳۷۸). *تذکره نصرآبادی*، دو جلد، تهران: اساطیر.
- نعمانی، رییس‌احمد (۱۳۷۷). «مروری بر تذکره‌نویسی فارسی»، *کیهان فرهنگی*، ش ۱۴۳، صص ۲۲-۱۶.
- نقوی، علیرضا (۱۳۴۳). *تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، تهران: علمی.

